



نگاهی به آرای فکری و رویکرد سیاسی
«عزمی بشاره»
مسیحی ولی هم پیمان
اسلام گرایان، ضد اسرائیل
ولی نماینده کنست!

۷

بیت المقدس

روایتی از اعتراضاتی
که به ناآرامی تبدیل شد
بسیج مثلث «غربی»
عبری، عربی، «عربی» علیه
عراقی ها

۳



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس شماره ۶۸ - سه شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۸ - ۹ صفر ۱۴۴۱ - ۸ اکتبر ۲۰۱۹

مصاحبه با «زینب مغنیه» در سالگرد
درگذشت «آمنه سلامه» مادر شهیدان مغنیه

دامن شهیدپرور

۴





◀ شهادت ۳۲۶ فلسطینی در غزه از آغاز تظاهرات بازگشت

از آغاز تظاهرات بازگشت در مرزهای غزه تاکنون ۳۲۶ فلسطینی به شهادت رسیدند. مرکز حقوق بشر میزان در گزارشی اعلام کرد که از آغاز تظاهرات مسالمت‌آمیز بازگشت در مرزهای غزه در مارس سال ۲۰۱۸ تاکنون ۳۲۶ فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان ارتش رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. از مجموع شهدا ۴۶ نفر کودک، دو نفر زن، ۹ نفر معلول، ۴۰ نفر پرستار و دو نفر خبرنگار هستند.

کارشناس سیاسی یمنی در گفت‌وگو با بیت المقدس مطرح کرد:

◀ محمدفاطمی زاده

آل سعود از بیماری تسلیم در برابر غرب رنج می‌برد



را به کار گیرد. زیرا چیزی برایش باقی نمانده و زمان زیادی نخواهد گذشت. ما خواهان دلیل کردن دشمن نیستیم و این در طبیعت ما جای ندارد. ما قصد داریم عقلانیت عربی را به وضعیت طبیعی خود بازگردانیم نه اینکه از طرف‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی در هر زمینه دور شویم.

▼ چرا عربستان با وجود شکستهای متوالی در برابر یمنی‌ها باز هم به آتش بس و پایان تجاوزش راضی نمی‌شود؟

آنها از بیماری قدیمی و عقل قدیمی تسلیم شده در برابر غرب رنج می‌برند و طرح ما فرصتی را پیش رویشان قرار داده است. عجله در طبیعت ما نیست. تکبر سیاسی و نظامی و اقتصادی سعودی‌ها مانع از توقف جنگ توسط خودشان می‌شود. این در حالی است که واقعیت موجود و نتایج آنها، توقف فوری جنگ را بر سعودی‌ها تحمیل می‌کند.

▼ آیا طرف‌های منطقه‌ای برای پایان جنگ در یمن میان انصارالله و سعودی‌ها وساطت کرده‌اند؟ به ویژه اینکه طبق اعلام رسانه‌ها سفر عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق به ریاض در روزهای اخیر و سفر احتمالی او به تهران در روزهای آینده در این راستا صورت گرفت.

همه میانجیگری‌های امروز، ظاهر و آشکار شده و مرحله کنونی برای عقل سیاسی و منطقه‌ای مکشوف است. در طرح‌ها و ابتکارات میانجیگری‌ها راهی جز رسیدن به راه حل مورد رضایت یمنی‌ها باقی نمانده است؛ این راه حل باید کرامت مردم یمن را حفظ کند و حقوقشان در همه زمینه‌ها به آنها بازگردد.

▼ علت متهم کردن ایران به دخالت در حمله یمنی‌ها به آرامکو از یکسو و تضعیف توان نظامی نیروهای مسلح یمن توسط رسانه‌های سعودی از سوی دیگر چیست؟

قدرت یمنی‌ها در تمامی سطوح اصالت خود را نشان داده و به طرف مقابل فرصتی اعطا کرده است. کماکان نمایش عملیات منعکس‌کننده قدرت‌های فردی و تاکتیکی و رزمی و زمینی یمنی‌ها در ابتدای راهش است. اگر نسبت به مداخله‌های ایران اصرار دارد، پس برای قطع سرافعی طبق ادعای خود را و به جنگ با ایران بیاورد.

به ملت یمن و سپس به ملت‌های عربی و اسلامی بازگرداند و توان و قدرتشان مشخص شد. لذا این عملیاتی برای بازگردانی اعتماد به صورت کامل بود و یمنی‌ها را قانع کرد که انسان می‌تواند کامل باشد. به اعراب نیز فهماند که محاصره به هر میزان که باشد، انسان می‌تواند فعال و کارآمد بماند و از وابستگی نجات یابد. ملت‌های عربی نیز می‌توانند از بندها رها شوند و هر چه می‌خواهند بشوند.

این عملیات پیامی نیز به قدرت‌های جهانی داد؛ مبنی بر اینکه زمان وابستگی و رفتار با ملت‌های منطقه گذشته و همزمانی آن با حمله به آرامکو بدین معناست که در صورت عدم توقف نقشه‌های دشمن، عملیات در یابی نیز صورت خواهد گرفت.

مردم یمن نیز پایه‌ها و اصولی که باید بر اساس آن مصالحه نمایند، متوجه شدند و فرصت نهایی را به قدرتهای جهانی دادند. این عملیات افق را برای ایران و سیاست هایش گشود و عقل منطقه‌ای را به وضعیت طبیعی خود در تعامل با ملت‌ها و طرف‌های منطقه‌ای بازگرداند. دوران احتکار علوم و فناوری به پایان رسیده و سخن‌ها مبنی بر ناتوانی انسان عرب بی‌فایده است.

عملیات «نصر من الله» خطرناک‌ترین و قوی‌ترین پیام قرن را به صهیونیست‌ها داد مبنی بر اینکه سحر فرعون با امکانات کم و قدرت ایمانی باطل شد

همچنین علاوه بر آگاه‌سازی جهان عرب و جهان اسلام، حامل پیام‌های سیاسی بزرگی بود. از سوی دیگر پیام نظامی نیز دربرداشت که در تاریخ ثبت خواهد شد و باید تحلیل‌گران سیاسی، نظامی، فکری و اقتصادی آن را مطالعه و بررسی نمایند.

عملیات نصر من الله، قدرت‌های بین‌المللی را در برابر مسئولیت هایشان قرار داد و باید برای آینده خود را بازبینی کنند. زیرا «نصر من الله و فتح قریب»، یعنی بخشی از عملیات آزادسازی صورت گرفته و بقیه آن برعهده جهانپان قرار دارد که مسیرشان را مشخص و گزینه هایشان را یکسره نمایند. باید بدانند که آغاز رسمی و واقعی برای ورود به جهان عرب و اسلام چیست. در کنار اینها عملیات نصر من الله، اعتماد را اول



هفته قبل بود که «سرتیپ یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن در سخنانی از انجام عملیات «نصر من الله» در نجران بعنوان بزرگترین عملیات از آغاز تجاوز سعودی به یمن خبر داد که طی آن مجموع خسارت‌های وارد شده به متجاوزان در مجموع از ۵۰۰ کشته و زخمی نیز فراتر رفته است. بیش از ۲۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن سعودی تنها در مرحله اول عملیات به اسارت نیروهای یمنی درآمدند. در این عملیات اعضای تیپ «الفتح» در نجران به طور کامل تسلیم ارتش یمن شدند. انتشار اخبار و تصاویر این عملیات میدانی موفقیت‌آمیز در حالیکه هنوز تحلیل‌ها و حواشی درباره حمله گسترده یمنی‌ها به تاسیسات نفتی عربستان ادامه دارد، ضربه حیثیتی دیگری به گاو شیرده سعودی بود.

در همین ارتباط خبرنگار بیت المقدس با «حامد البخیتی» کارشناس سیاسی یمنی گفت و گو کرده است که شرح آن از نظر تان می‌گذرد.

▼ تحلیل شما از عملیات اخیر یمنی‌ها موسوم به «نصر من الله» و اهمیت آن به علاوه دستاوردها و توانمندی‌های ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در برابر سعودی‌ها چیست؟

این عملیات از همه لحاظ در تاریخ جهان عرب و در ادبیات مواجهه و نبرد با کشورهای استکباری و پیام‌هایش به جهانیان و دروس تاریخی آن خاص بود.

سخن نخست

شبکه اجتماعی شیعیان

محمد مهدی رحیمی



این روزها حجم قابل توجهی از اخبار منتشر شده در رسانه‌ها و فضای مجازی مرتبط با «پیاده‌روی عظیم اربعین» است، سنت حسنه‌ای که یادگار اهل بیت سلام الله علیهم هست و در طول تاریخ شیعه تداوم داشته و انجام آن یکی از نشانه‌های شیعیان شناخته شده است. در سال‌های بعد از سرنگونی صدام و استقرار دولت مردمی در عراق و با فراهم شدن برخی از زیرساخت‌ها و مهم‌تر از آن فراهم شدن فضای آزاد برگزاری مناسک و مناسبت‌های مذهبی در این کشور، شاهد استقبال فزاینده از این رویداد معنوی بوده‌ایم و پس از عراقی‌ها هموطنان ایرانی سهم قابل توجهی در مشارکت و برگزاری این رویداد عظیم دارند. امروز کم‌نیستند پژوهشگران، موسسات مطالعاتی، رسانه‌ها و فعالان حوزه‌های که پدیده راهپیمایی میلیونی اربعین را در دستور کار مطالعات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند اگر چه بخش قابل توجهی از آن‌ها نه برای انعکاس واقعیت، بلکه برای شناسایی ظرفیت‌های موثر این اتفاق در تقویت توان جهان اسلام و محور مقاومت، صورت می‌گیرد تا بتوانند در مقابل آن صف‌آرایی کرده و از موفقیتش بکاهند. نمونه این اتفاق را در تحولات یک هفته اخیر عراق شاهد بودیم. اعتراضاتی که خیلی زود شکل اغتشاش و تخریب به خود گرفت، هیچ رأس و فرماندهی نداشت و تنها هدف آن ایجاد ناامنی و در یک کلام انعکاس تصویری آشفته از جامعه عراق بود.

این حرکت عظیم و رویداد بی‌نظیر را از ابعاد بسیار متنوع و متعددی می‌توان مورد بررسی قرار داد اما یکی از جنبه‌های قابل توجه و بررسی آن اتفاقی است که در اثر نوع برگزاری این راهپیمایی و تعاملات ایجاد شده بین مشارکت‌کنندگان در آن به وجود می‌آید. به بیان دیگر مدل حضور، شیوه پذیرایی عراقی‌ها از زوار اربعین و اسکان آنها در منازل و مواکب، ارائه خدمات مخلصانه و متنوعی که به زوار می‌دهند... چنان علاقه و پیوندی بین طرفین به وجود می‌آورد که به راحتی گسسته نمی‌شود بلکه زمینه‌ساز تعاملات بعدی و مداوم نیز می‌شود لذا در سال‌های اخیر مکرر شاهد بوده‌ایم که عزیزان عراقی که در ایام مختلف سال به ایران سفر می‌کنند در منازل دوستان ایرانی خود ساکن می‌شوند که بیشتر در سفر اربعین از آن‌ها میزبانی کرده‌اند. خصوصا که این حلقه ارتباطی به مدد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در طول مدتی که هر کدام از طرفین در کشور خود حضور دارد برقرار بوده و طرفین ضمن اطلاع از اوضاع و احوال یکدیگر، پیام‌های مختلفی را تبادل می‌کنند، که طبیعتا با توجه به پایگاه اجتماعی مشارکت‌کنندگان در اربعین، عمدتاً پیام‌های ردوبدل شده و جاذب‌ارزش بالای انقلابی و دینی است. در ادامه با سفرهای سیاحتی، زیارتی طرفین این نوع تعاملات مجدد به فضای حقیقی کشیده می‌شود و به مرور «شبکه اجتماعی شیعیان» را پدید می‌آورد.

استاد علم ارتباطات و البته روانشناسان موثرترین نوع تبلیغ و تعامل را «ارتباط چهره به چهره» می‌دانند و در راهپیمایی اربعین به بهترین شکل و بر بستر خدمت و محبت طرفین و البته توجه همه آنها به وجود ارزشمند امام حسین علیه‌السلام، این تعامل و ارتباط محقق می‌شود و شبکه اجتماعی شیعیان که بر بستر این تعاملات شکل گرفته، رشد پیدا می‌کند. شبکه‌ای که اولاً تداوم و ماندگاری بالایی دارد، ثانیاً توان اثرگذاری بر حوزه‌های مختلف زندگی فعالین و اعضای این شبکه دارد یعنی اعضای این شبکه اجتماعی حقیقی در حوزه فرهنگ بر یکدیگر اثرگذارند در حوزه اقتصاد و تعاملات اقتصادی می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند، در حوزه فعالیت‌های سیاسی و بسیاری از مسائل دیگر هم این تاثیرگذاری زمینه ایجاد و تداوم دارد. همان‌طور که گفته شد با توجه به پایگاه گفتمانی مشارکت‌کنندگان در این رویداد خصوصا شرکت‌کنندگان ایرانی، نوع پیام‌ها و تعاملاتی که بین طرفین به وجود می‌آید جنس غالبی دارد می‌توان آن را در گفتمان «اسلام انقلابی» تعریف کرد.

از همین رومی‌توان به راز نگرانی دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی اسلام و شیعیان و دشمنان آرامش منطقه غرب آسیا پی برد، که چرا از این اتفاق و اجتماع عظیم نگران هستند. آن‌ها به اثر این پیاده‌روی در مسیر سازماندهی موثر مسلمانان انقلابی پی برده‌اند، شاید بهتر و زودتر از خود ما.



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قلب زمین

◀ رئیس‌جمهور سابق بنین: بوکوحرام از سوی عربستان و قطر حمایت مالی می‌شود

رئیس‌جمهور سابق بنین عربستان و قطر را متهم به حمایت مالی از گروه تروریستی بوکوحرام کرد.

«نیسفور سولگو» که از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ نخست‌وزیر و از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ رئیس‌جمهور بنین بوده است طی سخنانی گفت: بوکوحرام رشد کرده و هم اکنون تهدیدی جدی برای غرب آفریقا محسوب می‌شود.

وی گروه بوکوحرام را وابسته به داعش عنوان کرد و گفت: بوکوحرام توسط دوستان ما، عربستان سعودی و قطر تأمین مالی می‌شود. ما دوست هستیم یا نه؟ بیایید با هم رو راست باشیم و حقایق را بگوییم.



روایتی از اعتراضاتی که به ناآرامی تبدیل شد

بسیج مثلث «غربی، عبری، عربی» علیه عراقی‌ها



می‌دهد بقایای رژیم بعث هدفی جز فتنه‌افکنی در عراق وارد کردن آن به یک تونل تاریک، ندارند. وی همچنین بر لزوم مقابله با دولت بغداد «با هر ابزاری» که در واقع اشاره تلویحی به انجام اقدامات خشونت‌آمیز دارد، تأکید کرده است و عاملان اقدامات خشونت‌آمیز را «چهره‌های قهرمان» خوانده است! این تقلا ناشی از عجز عنصر باقی‌مانده از رژیم بعث در حالی است که مواضع مشابه وی طی سال‌های گذشته هیچگاه مورد اهتمام مردم عراق قرار نگرفته است. او در سال ۲۰۱۳ و پس از بروز برخی ناآرامی‌ها نیز خود را «فرزند عراق» نامید و از اقدامات خشونت‌آمیز در این کشور به عنوان «هدیه‌ای گرانقدر» یاد کرد.

مردم عراق تنها هیچ توجهی به مواضع خصمانه دختر صدام ندارند، بلکه او و دیگر بقایای رژیم بعث را هم‌طراز با تروریست‌های تکفیری داعش می‌دانند و از سوابق حمایت‌های او از این گروه مطلع هستند. وی در سال ۲۰۱۵ به ارتباط خود با بخشی از تشکیلات داعش اذعان کرده بود. رعد صدام در آن زمان گفته بود که با گروه «نقشبندی» در ارتباط دائم است. این گروه پیش از حمله داعش به عراق توسط معاون صدام معذوم تأسیس شد و در زمان حمله تروریست‌ها به موصل با داعش همراه شد.

رسانه‌های عربی مأمور انعکاس وارونه واقعیت

افزون بر آنچه که گفته شد، رژیم‌های مترجع عرب نیز در قبال حوادث و تحولات اخیر عراق بیکار ننشسته‌اند و از تمامی ظرفیت‌های‌شان برای انعکاس وارونه واقعیت در این کشور بهره‌داری کردند. به عنوان نمونه می‌توان به شبکه‌های سعودی «العربیه» و «الحدث» اشاره کرد که با انعکاس تحریف‌شده واقعیت‌های میدانی در عراق، این کشور را به گونه‌ای برای افکار عمومی به تصویر می‌کشند که گویی در آن جنگی اتفاق افتاده است. شبکه عربی «الحر» که توسط آمریکا اداره می‌شود و همچنین شبکه «اسکای نیوز عربی» نیز تحریف واقعیت‌های اعتراضات در عراق را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

پرواضح است که این رسانه‌ها با زوایای تبلیغاتی رژیم‌های مترجع عرب و سخنگوی سیاست‌های رسمی آن‌ها هستند و این مسئله نشان می‌دهد که نوعی بسیج عمومی توسط مثلث «غربی، عبری و عربی» علیه دولت و ملت عراق به راه افتاده است تا از این رهگذر، به زعم خود این کشور را وارد یک بحران سیاسی فراگیر سازند.

عراقی فردی به نام «ادی کوهن» را اجیر کرده است. این فرد در واقع «مأمور توییتری» رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که سال‌هاست در عرصه تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای جهان عرب و جهان اسلام فعالیت می‌کند. این مأمور اجیر شده رژیم صهیونیستی در راستای تلاش‌های تبدیل عراق به صحنه درگیری‌ها و منازعات گسترده با انتشار پست‌های متعدد توییتری، ضمن حمایت از معذورات خشونت‌آمیز در این کشور، از عاملان این اقدامات به عنوان «انقلابیون» یاد کرده است تا بدین ترتیب به زعم خود نقش مؤثری در تهییج معترضان و سوق دادن آن‌ها به سمت انجام اقدامات خارج از عرف و قانون، ایفا کرده باشد.

در واقع، آنچه که موجب برآشتن مقامات صهیونیست از مسئولان عراق و تحرکات خصمانه آن‌ها علیه دولت قانونی این کشور شده است، پاسخ‌های قاطعانه‌ای است

بیابیه مشکوک سفارت واشنگتن در بغداد حاکی از آن است که آمریکایی‌ها یا در ظهور و بروز ناآرامی‌ها در عراق دست داشته و یا از تداوم آن برای یک بازه زمانی طولانی استقبال می‌کنند.

رد پای آمریکا در ناآرامی‌های اخیر در عراق را می‌توان در نارضایتی‌های اخیر آن از دولت کنونی بغداد جستجو کرد. چند روز پیش بود که «عادل عبدالمهدی» نخست‌وزیر عراق گزارشی را منتشر و اعلام کرد که کمیته‌های حقیقت‌یاب، جملگی به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم صهیونیستی عامل اصلی حملات مشکوک به مواضع «الحشد الشعبی» بوده است. این گزارش در حالی منتشر شد که سفیر واشنگتن در بغداد فشارهای فراوانی را به دولت عبدالمهدی برای عدم انتشار آن تحمیل کرده بود. علاوه بر این، سلسله فشارهای آمریکا به دولت عراق طی ماه‌های گذشته با هدف وادار ساختن آن به تبعیت

رژیم‌های مترجع عرب نیز در قبال حوادث و تحولات اخیر عراق بیکار ننشسته‌اند و از تمامی ظرفیت‌های‌شان برای انعکاس وارونه واقعیت در این کشور بهره‌داری کردند

از تحریم‌های ضد ایرانی و مخالفت قاطعانه بغداد با این مسأله نیز یکی دیگر از جمله عوامل عقده‌گشایی‌های اخیر ایالات متحده علیه عراق محسوب می‌شود. در همین ارتباط، «حسین الأسدی» یکی از مسئولان «جنبش اسلامی» عراق معتقد است: «آمریکا به دلیل نارضایتی از سیاست‌های دولت کنونی بغداد، در ناآرامی‌های اخیر عراق دست دارد».

خصوصیت‌ورزی تل‌آویو برای تشدید ناآرامی‌ها

علاوه بر آمریکای رژیم صهیونیستی از جمله دیگر طرف‌های خارجی است که موج‌سواری بر مطالبات مشروع مردمی و اعتراضات مسالمت‌آمیز در عراق را نصب‌العین خود قرار داده است. صهیونیست‌های برای تحریک معترضان عراقی جهت مبادرت کردن آن‌ها به انجام اقدامات خشونت‌آمیز یکی از چهره‌های شناخته‌شده خود را اجیر کردند تا وی در فضای مجازی به این خواسته شوم آن‌ها جامه عمل بپوشاند.

در همین ارتباط رژیم صهیونیستی برای تهییج معترضان

از روز سه‌شنبه هفته گذشته بود که تعدادی از استان‌ها و مناطق مختلف عراق به صحنه ظهور و بروز برخی اعتراضات تبدیل شد. جوانان عراقی که به وضعیت اقتصادی و معیشتی در کشور خود اعتراض داشتند، به صورت مسالمت‌آمیز دست به برگزاری تظاهرات زده و تحقق مطالبات خود را از دولت بغداد خواستار شدند. به دنبال برگزاری این تظاهرات‌ها بود که «عادل عبدالمهدی» نخست‌وزیر عراق در اقدامی هوشمندانه و به موقع از آمادگی خود برای ورود به مذاکرات با نمایندگان معترضان خبر داد. بدین ترتیب، وی با نمایندگان اقشار مختلف به گفتگو نشست و خبرهایی نیز از توافق میان دو طرف در رسانه‌ها منتشر شد. وی در راستای جامه عمل پوشاندن به خواسته‌ها و مطالبات معترضان، در گام اول به اخراج هزار کارمند به اتهام فساد و تضییع اموال عمومی، مبادرت ورزید. عبدالمهدی همچنین در جریان یک گفتگوی تلویزیونی خطاب به معترضان تأکید کرد: «مطالبات مشروع شما را پیگیری و برآورده می‌کنیم. مشکلات کنونی ناشی از عملکرد دولت فعلی نیست، چرا که این مشکلات از گذشته نیز وجود داشته‌اند».

ورود مرجعیت به ماجرا

مرجعیت عراق نیز به ماجرای اعتراضات اخیر در عراق ورود پیدا کرده است. در همین ارتباط، «احمد الصافی» نماینده «آیت‌الله سیستانی» و خطیب نماز جمعه شهر «کربلا» از قوای سه‌گانه عراق خواست تا دست به اصلاحات واقعی در این کشور بزنند. وی از دولت عراق خواست که به وظایف خود در کاهش درد و رنج‌های مردم این کشور عمل کند. نماینده مرجعیت عالیقدر عراق همچنین اظهار داشت: «پیش از این نیز مرجعیت توصیه کرده بود که یک کمیته متشکل از افراد سرشناس و خارج از ساختار قدرت به منظور تسریع روند مبارزه با فساد تشکیل بشود».

اظهارات نماینده مرجعیت عالیقدر عراق که مواضع رسمی آیت‌الله سیستانی در خصوص تحولات اخیر این کشور محسوب می‌شود، استقبال دولت بغداد را به همراه داشت. در همین راستا، نخست‌وزیر عراق ضمن تمجید از مواضع مرجعیت، تأکید کرد: «مرجعیت بار دیگر ثبوت کرد که چراغ روشنگر روزهای سخت است. مرجعیت باز هم نشان داد که سوپاپ اطمینانی است که در روزهای سخت، مسیر هدایت رانمایان می‌سازد. با تمامی این‌ها، اعتراضات مسالمت‌آمیز در عراق زمانی جای خود را به ناآرامی‌ها داد که طرف‌های خارجی و همچنین عناصر باقی‌مانده از رژیم بعثی به آن ورود کرده و تمام تلاش خود را به کار بستند تا نوعی هرج‌ومرج طولانی مدت را در عراق حاکم سازند.

ایالات متحده و باز هم مداخله جویی

مقامات ایالات متحده آمریکا در اتخاذ مواضع خود در قبال تحولات اخیر عراق سنت‌شکنی نکردند و بار دیگر راه مداخله جویی در امور داخلی این کشور را در پیش گرفتند. در همین ارتباط، سفارت ایالات متحده آمریکا در بغداد با صدور بیانیه‌ای در واکنش به برخی ناآرامی‌های اخیر عراق، اعلام کرد: «واشنگتن برگزاری تظاهرات‌های اعتراض‌آمیز در عراق را از نزدیک زیر نظر دارد»! این



درگذشت متفکر مسلمان شیلیایی

حجت‌الاسلام «خلیل یاروب ساحوری» مستبصر شیلیایی و متفکر اسلامی درگذشت. وی از خیل عظیم جوانانی محسوب می‌شد که تحت تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران، با مکتب اهل بیت (ع) آشنا شدند. خلیل جوان نیز که دین مسیحیت را اقطاع کننده نیافته بود، پس از این آشنایی، به مطالعه درباره اسلام روی آورد و سرانجام به این دین مبین و مذهب تشیع مشرف گشت. متأسفانه شیخ خلیل ساحوری از یک سال گذشته دچار عارضه کبدی شد و علیرغم تلاش‌ها، معالجات مؤثر واقع نگردید. سرانجام روح جستجوگر این مرد بزرگ روز پنجشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۸ به ملکوت اعلیٰ پر کشید و در جوار رحمت حق آرام گرفت.

مصاحبه با «زینب مغنیه» در سالگرد درگذشت «آمنه سلامه» مادر شهیدان مغنیه

الیه آخرتی

دامن شهیدپرور



مغنیه، در گفت‌وگویی اختصاصی با دختر ایشان، خانم «زینب مغنیه» تلاش کردیم تا یک بار انواری از این خورشید را پس از غروبش به نظاره بنشینیم. خانم مغنیه که همدم سال‌های پایانی عمر والدینش بوده، دستی هم در هنر و تئاتر دارد.

▼ در ابتدا بفرمائید خانم «آمنه سلامه» در چه خانواده‌ای به دنیا آمدند و بزرگ شدند؟ آیا خانواده در شکل‌گیری تفکرات و اعتقاداتشان نقش داشت؟ و به طور کلی زندگی‌شان در سنین نوجوانی و ابتدای جوانی و پیش از ازدواج چطور گذشت؟

مادرم در خانواده‌ای مذهبی که از اهالی جنوب لبنان بودند، بزرگ شده بود. او برایم از روابط نزدیک خود با پدرش و نقش ایشان در استحکام ارزشهای اسلامی در وجودش گفته بود. بدون شک تأثیرپذیری زیاد اواز شخصیت باایمان و معتقد پدرش بود که توانست از ایشان فردی باایمان، صبور و تسلیم در برابر امر خدا و راضی به مشیت الهی بسازد.

خواهر و برادرهای مادرم برای مادر باره شرایط نامساعد معیشتی که خانواده ۱۰ نفره آن‌ها از آن رنج می‌بردند حرف زد. این مسأله باعث شده بود تا مادرم که بزرگتر از هشت نفر از خواهر و برادرهایش بود زودتر از بقیه آنها برای کمک به پدرش در تأمین خانواده و پرداخت کسب‌وکار بخشی از بار مالی‌شان وارد عمل شود.

بعد از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی در سال ۴۸، خانواده‌های آواره فلسطینی که مجبور به ترک خانه‌هایشان شده بودند به سمت جنوب لبنان کوچ کردند.

یک جنبش اجتماعی شکل گرفت. همان انجمنی که هم اکنون به عنوان انجمن رنسانس اجتماعی شناخته می‌شود. حاجیه‌ام عماد به مدت یک سال به عنوان رئیس این انجمن برگزیده شده بود و در آن مدت متعهد به توانمندسازی بانوان در جهت ایفای موثر نقش‌شان در جامعه اسلامی بود. پس از حمله اسرائیل به بیروت در سال ۱۹۸۲ هم خانه‌اش را برای گروه شدن مجاهدین مقاومت اسلامی برای آموزش در بقاع و یابرای راهی کردن آن‌ها به میدان جنگ در جنوب، محل تجمع نیروها بود.

▼ رابطه ایشان با قرآن، ادعیه و اهل بیت چطور بود؟ آیا دعا یا عمل خاصی بود که به خواندن و عمل به آن التزام داشته باشند؟

این طور که خواهر و برادران مادرم می‌گویند ایشان از دورانی که کم سن و سال بوده‌اند از نعمت ایمان و التزام به امور دینی برخوردار بوده‌اند. همان طور که در تمام طول حیات خود عبد خدا و رسول و اهل بیت علیهم‌السلام باقی ماند. از اولین مصادیق التزام ایشان به امور دینی از نظر عبادی، مراقبتی بود که نسبت به قرائت روزانه قرآن کریم داشتند. به طوری که در سختی و آسانی با قرائت قرآن کریم مانوس بود. از دیگر مصادیق التزام ایشان به مسائل عبادی، کثرت دعا کردن ایشان بود. همیشه او را در حال قرائت ادعیه کتاب «ضیاء الصالحین» می‌دیدیم. و درباره مصادیق التزام ایمانی ایشان، اقتدا و تأثیرپذیری ایشان از زندگی پیامبر و اهل بیت به خصوص حضرت زینب را به یاد داریم. هر زمان که فرزندی از فرزندان را از دست می‌داد به حضرت زینب سلام الله علیها تاسی می‌کرد و بعد از آن تحمل مصیبت بر او آسان می‌شد. در ضمن همیشه حاجات خود را نیز با توسل به حضرت زینب از خدایم خواست.

▼ به نظر شما به عنوان فرزند ایشان ویژگی‌های خاصی که باعث شد تا سه شهید از دامن ایشان تقدیم جبهه مقاومت اسلامی شود، چه بود؟

مهم ترین ویژگی حاجیه ام عماد تلاش پیوسته و از سر احساس مسئولیت‌پذیری ایشان برای تغییر شرایط از نظر اخلاقی بود. هرگز شرایط اسلامی دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی را نپذیرفت. آنچه آن روزها به چشم می‌آمد کاهش تعهدات مذهبی و وجود افکار تهدیدآمیز برای عقاید اسلامی بود و او در این شرایط حتی یک روز نسبت به دعوت از دختران و زنان برای شرکت در کلاس‌های مذهبی و در جهت آگاه سازی آن‌ها و محافظت از آن‌ها در مقابل موج انحرافات ایدئولوژیک غفلت نکرد. او سه فرزند خود را هم به این ترتیب تربیت کرد و شخصیت‌هایشان را در همه ابعاد عقیدتی و رفتاری با خود همراه ساخت و بدین گونه از تصمیم‌گیری‌ها و خط و ربط‌هایشان حفاظت کرد. چنین تربیت آگاهانه‌ای منجر به تقدیم سه شهید شد که هر کدام با رویکردهای متفاوت و بر اساس آگاهی

زمانی که ام‌عماد تمامی فرزندان را شهید در راه خدا دید، نزد سید حسن نصرالله رفت و از وی به دلیل اینکه دیگر فرزندی برای تقدیم به خط مقاومت و اسلام ندارد، عذرخواهی کرد

مسئولیت‌پذیری این مسیر را انتخاب کردند.

▼ رابطه ایشان با همسرشان به چه شکل بود؟ و در مواجهه با خبر شهادت فرزندان کدام یک بیشتر دیگری را دعوت به صبر می‌کرد و این دو چطور با شنیدن خبر فرزندان با هم همراهی می‌کردند؟

من معتقدم حس همدردی که در وجود مادرم نسبت به درد و رنج‌های فلسطینی‌ها در دوره میان سالی و بعد از آن وجود داشت، تبلوری از اولین دیده‌ها و درک‌هایش نسبت به قضیه فلسطین بود که بعدها به شکل مواضع محکم او در حمایت از مردم فلسطین منعکس شد.

در پی وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی در جنوب لبنان پس از ورود تعداد زیادی از خانواده‌های فلسطینی، خانواده مادرم تصمیم گرفتند در یک اتاق بسیار ساده در منطقه شیاح در حومه جنوبی بیروت مستقر شوند. در آنجا، مادر کار خیاطی را آغاز کرد و برای مدت دو سال به آن مشغول بود. سپس به بیمارستان المقاصد منتقل شد تا در نهایت به عنوان یک پرستار از آنجا فارغ التحصیل شد. در کنار کار در بیمارستان، با توجه به وخیم‌تر شدن وضعیت سلامتی پدرش، در ابتدای جوانی مجبور شد تا کار دومی را در یک کارخانه خیاطی شروع کند تا از این طریق هزینه‌های درمان پدرش را فراهم کند. در نهایت پدر بزرگم در سن ۳۸ سالگی از دنیا رفت و از آن زمان مادرم دوشادوش برادران خود بار مسئولیت خانواده را بر دوش گرفت و تا زمان ازدواج با پدرم، حاج‌فایز مغنیه، در سال ۱۹۶۱ به عنوان پرستار به کار خود ادامه داد.

▼ آیا از تأثیر ملاقات اتفاقی‌شان با امام موسی صدر در بیمارستان و پیامدهای آن در زندگی‌شان برای شما گفته بودند؟

مادرم یک بار به من گفت که با توجه به چالش‌های پیش روی مسلمانان در آن زمان، دیدار تصادفی‌اش با امام موسی بسیار مشرثمر بود. این ملاقات باعث ترتیب داده شدن سلسله دیدارهای دیگری شده بود که در نهایت منجر به تصمیم‌گیری‌های مشترک و همکاری و هماهنگی در زمینه اجرای طرح‌های خیرخواهانه و مذهبی آموزشی برای تقویت جامعه شیعه و استفاده از آن‌ها برای رفع چالش‌ها شد.

▼ به طور کلی از فعالیت‌های ایشان در مراحل مختلف زندگی برای ما بفرمائید.

مادرم به ندرت در مورد نقشش در چگونگی برقرار کردن جو اسلامی در لبنان در دهه ۱۹۷۰ با ما توضیح می‌داد بنابراین تمام آنچه مادرم در آن دوره می‌دانیم چیزهایی است که از همراهان ایشان در جلساتی که مخصوص بانوان بوده برای ما نقل شده است. به ما گفته‌اند که اولین فعالیت‌های ایشان به شکل تبلیغ مسائل دینی بود، به این شکل که در خانه خودش برای خواهران کلاس تعلیمات دینی برگزار می‌کرد. همراهان وی از سعی و تلاش مادرم و مدیریت خوب او در پروژه‌های تبلیغی و فرهنگی برای مامی گویند.

مثلاً یکی از آن‌ها درباره نقش مادر به شکل خاص در سازماندهی و برگزاری دروس فقه و اصول در مناطق مختلف خبر داد. آن‌ها با هماهنگی با علماء فعال عرصه فرهنگی در آن زمان مانند آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله و آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و دیگران. کمی قبل از درگذشت مادرم متوجه شدم که

او در استقبال از آوارگان مناطق آسیب‌دیده و پناه دادن آن‌ها در مدارس و خانه‌ها در زمان شروع جنگ داخلی در لبنان در سال ۱۹۷۵ و سپس اولین حمله اسرائیل در سال ۱۹۷۸ هم نقش داشته است. بعد از آن و به اعتبار به وجود آمدن روابط متعدد و تجربیات زیاد، اولین چارچوب برای ارائه کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده به شکل



◀ زیاد نخله: ملت ما به منزله رکن و اساس مقاومت است

دبیر کل جهاد اسلامی به مناسبت سی و دومین سالروز تأسیس این جنبش گفت: تأکید می‌کنیم که در قبال اسرا کوتاه نمی‌آییم و دشمن باید بداند که آسیب‌وارد کردن به زندگی اسرا به منزله اعلام جنگ علیه ملت فلسطین است. وی افزود: جنبش جهاد اسلامی بر اصول خود و مقاومت در فلسطین از کرانه باختری گرفته تا غزه تأکید می‌کند. زیاد نخله تأکید کرد: مردان و زنان کرانه باختری همچنان در برابر رژیم اشغالگر و شهرک‌نشینان آن ایستاده‌اند.



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[یاران آخر الزمانی]

دیدار با تمامی خانواده‌های شهدای دفاع مقدس بود؛ شهدایی که در جنگ علیه تروریسم تکفیری جان خود را از دست دادند. وی لیستی از اسامی تمامی شهدا را تهیه و یک برنامه هفتگی جهت ملاقات با خانواده‌های آن‌ها آماده کرده بود. بین شهداء هیچ فرقی قائل نمی‌شد. او با تمامی خانواده‌های شهداء در صبر همراهی و بر لزوم تکمیل راه جهاد تأکید می‌کرد. حضور او در میان خانواده‌های شهدا کمک بزرگ و انگیزه مضاعفی برای آن‌ها جهت ادامه راه مقدس حسینی (ع) بود. در اینجا لازم است به سخنان «سید حسن نصرالله» و توصیف دقیق وی از اهمیت کار حاجیه خانم اشاره کنم. سید حسن گفت: «او در قلب رویداد بود. درست مانند خانم زینب (س). او با عزم و اراده و بلندهمت بود».

▼ **نظر و نگاه ایشان به امام خمینی (ره)، امام خامنه‌ای و جناب سید حسن نصرالله چگونه بود؟**

امیدواری مادرم به تغییر – که همواره مجدانه برای تحقق آن تلاش می‌کرد – در شخص امام خمینی (ره) تجلی یافت. در واقع، امام آنچه را که مادرم آرزویش را داشت، برای او محقق ساختند. یعنی ایشان با برداشتن نقاب از چهره نبرد واقعی مستکبران علیه مستضعفان، روح انقلاب را در قلب امت اسلامی زنده ساختند. ایشان انرژی جوانان را آزاد کرده و آن‌ها را به راه درست رهنمون ساختند. ایشان به صورت کاملاً آشکارا، علنی و با صراحت معیار تشخیص حق از باطل را مسأله فلسطین معرفی کردند و بدین ترتیب، مستضعفان در سراسر جهان را در خصوص یک مسأله انسانی و اسلامی به حق، متحد ساختند. ایشان با این اقدام خود قدرتی را تشکیل دادند که دشمن از آن می‌هراسد و به دلیل استحکام عقیدتی آن، دشمن قادر به نابودیش نیست.

مادرم امام خامنه‌ای (حفظه الله) را رهبر بزرگ محور مقاومت – با تمامی ارکان و گروه‌هایش – می‌دانستند. او، ایشان را حافظ خون شهداء و پاسدار کرامت مؤمنان می‌پنداشت. زمانی که ام عماد تمامی فرزنداناش را شهید در راه خدا دید، نزد سید حسن نصرالله رفت و از وی به دلیل اینکه دیگر فرزندی برای تقدیم به خط مقاومت و اسلام ندارد، عذرخواهی کرد. این مسأله به خوبی نوع و نحوه تعامل و رفتار او با سید حسن نصرالله را نشان می‌دهد؛ رفتاری که در واقع از موضع تکلیف‌مداری یک انسان مسلمان و مؤمن در قبال ولی امر است. او هر آنچه را که داشت در مسیر جهاد و برای پیروزی بر دشمنان اسلام، تقدیم کرد.

پس از اعلام خبر درگذشت مادرم در رسانه‌ها، جملگی دست‌اندرکاران مقاومت در صفحات مربوط به خود در شبکه‌های اجتماعی لب به تقدیر از مادرم



این زن دارای خصوصیات مثال زدنی از قبیل کاردانی، اطاعت از شوهر و قناعت بود. او به پدرم بسیار احترام می‌گذاشت و در روزهای سخت کمک حال وی بود

ناامیدی باید سعی در تغییر شرایط نامطلوب کرد و در نظر داشته باشیم که امید انگیزه اصلی برای ایجاد پشتکار و انجام وظیفه به بهترین شکل است.

▼ **وقت هایی که خیلی دلتنگ می‌شدند چطور خودشان را آرام می‌کردند؟**

پس از شهادت برادرم فرمانده مقاومت حاج «عماد مغنیه» مادرم در مقام یک مادر صابر و مجاهد ظاهر شد. او با مواضع مستحکم و اظهاراتش در رسانه‌ها متمایز گشت و در ذهن همه مردم به عنوان یک مادر مورد عنایت واقع شده و همچنین به عنوان الگویی برای تمام زنان جهان اسلام، نقش بست. نهادهای فرهنگی و تربیتی به منظور احیاء فعالیت‌های دینی و ملی خود به او پناه می‌آوردند، چرا که او شخصیت نمونه‌ای بود که می‌توانست منظومه ارزشمند مقاومت را بدون تکلف و به صورت کاملاً خودجوش و صادقانه، نشر دهد. او دعوت تمامی نهادهای احزاب مختلف از جمله سازمان‌های تربیتی در مناطق و بخش‌های گوناگون حتی در روستاهای دورافتاده برای خدمت‌رسانی را قبول می‌کرد. در مواردی که نمی‌توانست با نهادهای مذکور همکاری داشته باشد، سازمان‌ها برنامه‌های خود را لغو کرده و یا آن را تا زمان فراهم شدن شرایط مشارکت ام عماد به تعویق می‌انداختند. در روز مادر و سالروز آزادسازی جنوب

همچنین از مادرم که مانند یک مربی بود، روش‌های تربیت فرزند صالح و آگاهی دادن به فرزندم و درس‌های دیگری مثل تدبیر امور منزل به بهترین شکل و چگونگی ایجاد اعتدال بین فعالیت‌های داخل و خارج از خانه یک خانم را آموختم.

▼ **آیا کوچک ترین فرزند ایشان بودن باعث شده بود تا رابطه خاصی بین شما و مادر تان برقرار شود و توصیه‌ها و انتظارات خاصی از شما داشته باشند؟**

من فقط دو سال داشتم که برادرم جهاد شهید شد. من و خواهر بزرگترم در همه عمر در کنار مادرمان ماندیم. به نوعی من دلخوشی مادرم در روزهای سختش بودم. در زمان شهادت برادر دوم فواد، من دوازده سال داشتم. بعد از شهادت او فرزندان این شهید به خانه مانقل مکان کردند و مادرم مسئولیت تربیت ما یعنی فرزندان شهید و من را به عهده گرفت. این مسأله فکر و توجه او را به خود مشغول می‌کرد و همین امر باعث می‌شد تا آرام او تسکین یابد.

در دورهمی‌های خانوادگی همیشه از شهیدانمان یاد می‌کرد تا ما که در زمان شهادت آن‌ها سن کمی داشتیم با آن‌ها آشنا شویم. من به این ترتیب در کنار مادرم بزرگ شدم و حتی در زمان ازدواج هم او را ترک نکردم و بعد از این که فرزندم را به دنیا آوردم باز هم اصرار داشتم تا در کنار او بمانم و فرزندم را به برکت وجود او تربیت کنم.

▼ **خاطره خاصی از ایشان دارید که دوست داشته باشید با خوانندگان ما به اشتراک بگذارید؟**

من فرزندم را زیر نظر مادرم بزرگ کردم. او اغلب من را راهنمایی می‌کرد و توصیه‌های آموزشی در تربیت سه فرزند شهیدش را در اختیارم می‌گذاشت. همچنین همیشه تأکید می‌کرد که باید بین فعالیت‌های داخل و خارج منزل تعادل و توافق برقرار کنم آن هم به این شکل که وقت اصلی‌ام را صرف پسر و نشست و برخاست، همنشینی و وقت گذراندن با او کنم.

▼ **توصیه خاصی به مردم و جوان‌ها داشتند؟**

همیشه ما را دعوت به امید داشتن و ناامید نشدن از واقعیت‌های ناخوشایند می‌کردند و معتقد بود به جای

ام عماد زنی است که به عنوان نمونه شناخته می‌شود و از این رو دیگر زنان می‌توانند در تعاملات خود با همسر و فرزنداناش از ایشان پیروی کنند. زیرا این زن دارای خصوصیات مثال زدنی از قبیل کاردانی، اطاعت از شوهر و قناعت بود. او به پدرم بسیار احترام می‌گذاشت، در روزهای سخت کمک حال وی بود و همچنین ما را تشویق می‌کرد تا پدرم را در کارش در رستوران یاری کنیم و همه این‌ها در کنار مسئولیتهای دیگری که داشت از جمله تربیت فرزندان، مشارکت در خیریه‌های اجتماعی و برگزاری کلاسهای مذهبی انجام می‌گرفت.

از آن طرف همان طور که مادرم بر سر اعتقاداتش مصمم بود، پدرم حاج فایز نیز کاملاً در برابر مشیت الهی تسلیم بود و این درک یک حمایت رفتاری جدی برای مادرم در تحمل مشکلات بود.

▼ **رابطه ایشان با فرزندان شان چطور بود؟ و مهم ترین اولویتهای ایشان در تربیت فرزند چه مسائلی بود؟**

فعالیت‌های مادرم در زمینه آگاه‌سازی مذهبی و توجه به مسائل اجتماعی و از این دست امور مانع از ایفای کامل نقش او در درون خانواده به ویژه حضور در کنار فرزندانش نشده بود. او به امور مربوط به مادر تمام ابعاد معنوی، عقیدتی، رفتاری و اخلاقی اهمیت می‌داد و همیشه از ما می‌خواست تا از خدا اطاعت کنیم و از آنچه او نمی‌پسندد، دور بمانیم. او ارزشهای اسلام ناب محمدی را در وجود ما نهادینه کرد و با تربیت آگاهانه و مسئولانه خود توانست سه مرد که همگی به شهادت رسیدند را تقدیم حق و مسیر حقیقت کند.

▼ **برخورد ایشان با خبر شهادت هر کدام از فرزندان شان چطور بود؟ و به نظر شما کدام یک از این شهادت‌ها برای ایشان سخت‌تر و تحمل آن سنگین‌تر بود؟**

بر اساس آن چه آشنایان درباره مواجهه مادرم با خبر شهادت فرزندانش برای من گفته‌اند، او ناراحتی‌اش را هنگام شنیدن خبر شهادت «جهاد» که کوچک ترین پسرش بود پنهان نکرد. جهاد بعد از اتمام فعالیت‌های جهادی روزانه‌اش مادرم را در خانه همراهی می‌کرد و طبیعتاً به همین دلیل بین آنها رابطه عاطفی خاصی شکل گرفته بود. مادرم برای من تعریف کرد که در نظرش، اعلامیه مقاومت اسلامی که جهاد را به عنوان اولین شهید مسیر حسینی معرفی کرد عاملی اساسی بود که دردهایش را از دست دادن پسرش را تا حدودی تسکین داده بود.

اما درباره «فواد»، شرایط فرق داشت و خبر شهادت از دو وجه باعث اضطراب مادرم بود. زیرا شهادت او در اثر تروری بود که هدفش «حاج عماد» بود.

برخلاف جهاد و فواد، در زمان شهادت برادرم عماد من در سن آگاهی بودم و به یاد می‌آورم مادرم که قبلاً یاد گرفته بود انتهای مسیر جهادی پسرش شهادت خواهد بود، چطور این خبر را با صبر و به شکل حساب شده پذیرفت. در حقیقت با توجه به اینکه سرویس‌های جاسوسی متعددی به دنبال عماد بودند، مادرم توقع از دست دادن او در هر لحظه را داشت.

برعکس این مواجهه، خبر شهادت نوه‌اش «جهاد»، پسر حاج عماد، بیش‌ترین درد و ناراحتی در طول تمام زندگی مادرم را در قلبش شعله‌ور کرد.

▼ **اصلی ترین تاثیر ایشان بر شما و مهم ترین چیزی که از ایشان یاد گرفتید چه بود؟**

من از مادر مجاهدم لزوم تمسک جستن به صبر و نماز در تمام سختی‌ها و لزوم یاری رساندن به مظلوم و حمایت حداکثری از آن‌ها از نظر عقیدتی و مادی را آموختم.

او با مواضع مستحکم و اظهاراتش در رسانه‌ها متمایز

گشت و در ذهن همه مردم به عنوان یک مادر مورد عنایت واقع شده و همچنین به عنوان الگویی برای تمام زنان جهان اسلام، نقش بست

گشودند؛ مادری که تمامی فرزنداناش به ویژه عماد، «فرمانده مقاومت» را به عنوان شهید، تقدیم کرد. تعبیر خودجوشی که در اکثر موارد درباره او از آن استفاده شد، تعبیر «مادر مقاومت» بود. بدون شک بکاربردن این تعبیر از عمق آگاهی افکار عمومی از نقش حاجیه خانم در حمایت از راه مقاومت و حفظ این راه، سخنان خودجوش و صادقانه‌اش و همچنین مواضع مستحکمش، حکایت دارد.

لبنان، مادرم برای مشارکت در فعالیت‌های گوناگون، طی چند روز پی در پی از صبح تا شب به مکان‌های مختلفی رفت. وی در جمع حضار مراسمات مختلف بر لزوم حفاظت از خون شهداء و پاسداری از راه مقاومت با ایمان و عمل صالح، تأکید می‌کرد.

اقدامات ام عماد تنها به قبول مشارکت در فعالیت‌های مذکور محدود نمی‌شد، بلکه بخش‌های دیگری را نیز در بر می‌گرفت که از جمله مهمترین آن اصرار بر

◀ آرایش مشترک نَجباء و حزب‌الله در جبهه شمالی اراضی اشغالی

اندیشکده استراتژی و امنیت اورشلیم (JISS) با انتشار گزارشی خواستار تشدید فعالیت تبلیغاتی علیه گروه‌های مقاومت شیعه شد. بر اساس این گزارش، «یوسی منشاروف» تحلیلگر ارشد این اندیشکده و تهیه‌کننده گزارش، نوشته است: آرمان ایتال‌الله خمینی با تلاش چهل ساله فرماندهان سپاه پاسداران به جایی رسیده است که هم‌اکنون نیروهای شیعه در قالبی فراملیتی ما را تهدید می‌کنند. نویسنده ادامه می‌دهد: از حزب‌الله لبنان گرفته تا نَجباء عراق، در مرز شمالی اسرائیل آرایش مشترک گرفته‌اند و هم‌زمان، انصارالله یمن نیز برای ما خط و نشان می‌کشد.



«مارک تالیانو» نویسنده کانادایی، در گفت‌وگو با بیت المقدس:

پیروزی‌های محور مقاومت طلیعه دوره جدیدی از جهان چندقطبی است



مارک تالیانو (Mark Taliano) نویسنده و پژوهشگر کانادایی در امور بین‌المللی و سوریه است. وی دارای آثار پژوهشی و ژورنالیستی متعددی است و تألیف کتاب «صدای سوریه» را نیز در پرونده دارد. تالیانو در «صدای سوریه»، تحقیقات چند ساله خود را با مشاهدات میدانی در هم می‌آمیزد تا تحلیلی مستند و آگاهی‌دهنده ارائه کند و از این طریق با روایت جریان اصلی رسانه‌های غربی از جنگ سوریه به مبارزه برخیزد. تالیانو در رسانه‌های مختلفی به عنوان تحلیل‌گر و پژوهشگر حضور داشته است و در سایت خود یادداشت‌ها و تحلیل‌های خود را منتشر می‌کند. این نویسنده کانادایی در گفت‌وگو با بیت المقدس به محورهای مختلفی از تحولات جهانی و منطقه غرب آسیا پرداخت. فاصله میان سیاست‌های اعمالی و اعلامی قدرت‌های غربی در خصوص حقوق بشر، وضعیت حقوق بشر در یمن، شکست‌های پی‌درپی متحدان غرب در غرب آسیا، قدرت‌مندی محور مقاومت و تغییر معادلات سیاسی و اقتصادی جهان از جمله این محورها بود. متن کامل این گفت‌وگو در ادامه تقدیم می‌شود:

▶ به نظر شما می‌توان ادعاهای دولت‌های غربی مبنی بر حمایت و دفاع همه‌جانبه از حقوق بشر را پذیرفت؟ در خصوص غرب آسیا، این ادعا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

محور شرارت واقعی در برگیرنده ناتو و متحدان آن به رهبری ایالات متحده آمریکا است. عظمت فاجعه انسانی و محیطی امروز غیر قابل تصور است. دولت‌های غربی و رسانه‌هایشان نمایش فریب‌برانگیزی را برای مردم آمریکا شمالی به عرضه گذاشته‌اند که آن‌ها را تا حد زیادی نسبت به واقعیت فاجعه‌ای که از سوی آن‌ها در حال انجام است، بی‌اطلاع نگه داشته است. جنگ غربی و وحشت که دولت‌های ما به آن متعهد مانده‌اند، گنجینه‌های عمومی را غارت می‌کند تا یک نسل‌کشی خارجی را مرتکب و حمایت کند؛ در حالی که غرب و رسانه‌های آن، همان تروریستی را که جار می‌زنند با آن در حال جنگ هستند، پشتیبانی می‌کنند، فرمان می‌دهند و کنترل می‌کنند.

دکتر گیدون پولیاد مقاله تحت عنوان «نسل‌کشی عراقی: ۲/۷ میلیون کشته عراقی ناشی از جنگ و پیامد آن» به این موضوع می‌پردازد که جنایات و وحشتناک و جنایتکارانه غرب تنها علیه عراق «منجر به مرگ ۲/۷ میلیون عراقی در اثر خشونت (۱/۵ میلیون) و پیامدهای ناشی از خشونت (۱/۲ میلیون) شده است». دکتر پولیا همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که «در حال حاضر غرب، هفتمین جنگ علیه عراق را از سال ۱۹۱۴ آغاز کرده است. در بیش از یک سده خشونت غرب، تعداد کشته‌های عراقی ناشی

نظم جهانی چندقطبی محدودیت‌هایی را برای رؤیای نظم جهانی جدید تحت رهبری ایالات متحده، جنگ جهانی اش، اقتصاد سیاسی ضد بشری اش، فقر و نسل‌کشی روبه‌رشدش ایجاد خواهد کرد

از جنگ و پیامدهای آن مجموعاً ۹ میلیون نفر بوده است. با این حال رسانه‌های جریان اصلی غربی قاطعانه قتل عام را نادیده گرفته‌اند.

▶ رابطه میان قدرت‌های غربی و گروه‌های تروریستی مانند داعش چگونه است؟ جایگاه این گروه‌ها در سیاست‌های غربی کجاست؟ غرب و متحدانش در سطح جهانی از القاعده و داعش حمایت می‌کنند. این گروه‌ها، واسطه‌هایی بیش نیستند؛ «سربازانی در میدان» که وظیفه‌شان نابودی حاکمیت و استقلال کشورها برای اربابان غربی خود است. آن‌ها جوهره بربریت و شری هستند که در پوشش‌های تکه‌تکه شده «انکارپذیری قابل‌پذیرش» پنهان شده‌اند و تنها کسانی را می‌توانند فریب دهند که خود مایل به فریب خوردن باشند. یافته‌های اخیر روزنامه‌نگار محقق، دیانا گیتانزوا، به شرح این ماجرا می‌پردازد که «سلاح‌های دولت اسلامی (داعش) در یمن متعلق به دولت ایالات متحده است. او همچنین به انبوهی از شواهد موجود اشاره می‌کند که بر اساس آن غرب از تروریست‌های بازداشت شده بین‌المللی حمایت می‌کند».

خوشبختانه محور مقاومت روز به روز قدرتمندتر می‌شود. هر پیروزی برای آن دسته از کشورهایی که با بربریت غربی مخالف هستند، پیروزی برای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، پیروزی برای حقوق بین‌الملل، پیروزی برای کرامت و تمدن بشری، پیروزی برای حقیقت، عدالت و صلح و جهانی قابل سکونت خواهد بود.

نظم جهانی چندقطبی محدودیت‌هایی را برای رؤیای نظم جهانی جدید تحت رهبری ایالات متحده، جنگ جهانی اش، اقتصاد سیاسی ضد بشری اش، فقر و نسل‌کشی روبه‌رشدش ایجاد خواهد کرد. هیولای سرمایه‌داری تحت رهبری آمریکا با بهره‌گیری از پروپاگاندا، جنگی خود، دیکتاتوری جهانی است که ثروت جهانی را به نفع یک طبقه اشرافی فراملی کوچک به نفع می‌برد.

▶ جایگاه محور مقاومت را در این مختصات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سوریه، عراق، ایران، روسیه، چین و یمن همه در خط مقدم جنگ علیه سیاست‌های سرطانی غرب در ارتکاب جنایات عالی جنگی بین‌المللی، محاصره ضد بشری، قتل عام و نسل‌کشی گسترده و نابودی بی‌توقف یک جهان قابل زندگی قرار دارند. جنایات و عواقب آن‌ها از پیش برنامه‌ریزی شده و شیطانی هستند. غرب زمانی که عمداً تجهیزات مربوط به آب آشامیدنی در عراق را از طریق محدودیت‌های اقتصادی از بین برد، تقریباً ۶۰۰۰۰ کودک عراقی را به قتل رساند. دولت‌های غربی، زیرساخت‌های آبی در لیبی و سوریه را بمباران کردند و در یمن نیز از همین روش استفاده می‌کنند. مرگ غیر نظامیان مورد نظرشان است و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اند. خود سازمان ملل متحد، بیماری همه‌گیر وبا در یمن را به عنوان یک «فاجعه مصنوع بشر» محکوم کرده است.

دیوید پیر به عنوان یک روزنامه‌نگار محقق، در یادداشت تحت عنوان «نسل‌کشی و نابودی یمن به رهبری ایالات متحده» این چنین می‌نویسد: «از سال ۲۰۱۵ وبا از طریق جنگ بیولوژیکی علیه یمن گسترش یافته است. بمب‌های آمریکایی که توسط خلبانان سعودی رها شده‌اند، سیستم‌های آب و فاضلاب عمومی یمن را نابود کرده‌اند. قطعات مواد شیمیایی و سوخت برای تصفیه آب و فاضلاب یمن بلوکه شده است. آب آشامیدنی، واکسن و آب حتی قرص‌های تصفیه آب نمی‌توانند وارد این کشور شوند... فاضلاب تصفیه نشده به رودهایی می‌رود که در زمین کشاورزی جاری می‌شوند. به همین دلیل سبزیجات قبل از مراجعه به بازار آلوده می‌شوند. علاوه بر این فاضلاب به داخل شهرها، مناطق مسکونی و اردوگاه‌های پناهندگان سرازیر می‌شود. مگس‌ها روی فاضلاب فراوان هستند و وبا

را در همه جابجاش می‌کنند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، هلال احمر و پزشکان بدون مرز بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و سازمان‌های امدادسانی در برابر بلایای طبیعی و کارگران حقوق بشری تعدا بمباران شده‌اند»

▶ پیروزی‌های محور مقاومت را در ماه‌های اخیر، به ویژه پیروزی‌های یمن را چگونه می‌بینید؟

یمن، مانند هم‌تایان خود در مقاومت، اقتصاد سیاسی مستقل خود را می‌جوید؛ عاری از اوامر دیکته شده «نئولیبرالی»، خصوصی‌سازی‌ها، تأمین اعتبار بین‌المللی و «برنامه‌های تنظیم ساختاری». یمن به دنبال تضمین منشور سازمان ملل و قوانین بین‌المللی است تا از منابع خود برای پیشرفت اجتماعی مردمان خود استفاده کند. یمن به دنبال عدالت و حقیقت و صلح است، زیرا با تروریست‌های القاعده غربی می‌جنگد، زیرا در مقابل بمب‌های فراهم شده توسط غرب و هواپیماهای سعودی که توسط غرب فرماندهی و کنترل می‌شوند، مقاومت می‌کند. یمن در حال پیروزی در جنگ است.

اندکی پس از حملات آرامکو (که به دروغ ایران متهم به این حمله شد)، نیروهای حوثی نیروی بزرگی از عربستان سعودی را در استان نجران شکست دادند، هزاران نفر از سربازان آن‌ها را به اسارت گرفتند و کنترل میدان جنگ را با وسایل نقلیه زرهی (LAVs) - که توسط کارخانه جنرال دینامیک (GDLS) در لندن، انتاریو و کانادا تولید شده - به دست گرفتند. گفتنی است که دولت‌های پیاپی کانادا در عوض ساخت قطارهای سریع‌السیر سازگار با محیط زیست، تصمیم گرفتند تا برای متحدان سعودی و القاعده خود وسایل نقلیه زرهی تولید کنند! در مرحله دوم حمله، نیروهای مسلح یمن طبق گفته‌های خود کنترل سه پایگاه نظامی سعودی را به دست گرفتند و اکنون بیش از ۱۵۰ کیلومتر از خاک سعودی را کنترل می‌کنند.

این پیروزی‌ها به همراه پیروزی‌های پی‌درپی سوریه بر تروریسم بین‌المللی، طلیعه دوره جدیدی از جهان چندقطبی است؛ دوره‌ای که نویدبخش مقاومت بیشتری در برابر تروریسم غربی، مقاومت بیشتر در برابر غل و زنجیر انگل جهانی شدن نئولیبرال و مقاومت بیشتر در برابر برنامه تک‌قطبی جنگ و فقر دائمی واشنگتن (به عنوان یک برنامه سرطانی، مهلک و سمی برای بشریت و برای یک جهان قابل زندگی) خواهد بود.

◀ پایان طولانی‌ترین اعتصاب در اردن و بازگشت دانش‌آموزان به کلاس‌های درس دولت اردن اعلام کرد که با سندیکای معلمان درباره مجموعه‌ای از اقدامات مربوط به بهبود معیشت معلمان و ارتقای سطح عملکرد آن‌ها و تضمین بازگشت دانش‌آموزان به مدارس، به توافق رسیده است.

«مبارک ابویامین» وزیر مشاور دولت در امور حقوقی نیز پس از توافق دولت با سندیکای معلمان در یک کنفرانس خبری گفت: درباره توقف اعتصاب و بازگشت دانش‌آموزان به مدارس توافق شد.

«ناصر النواصر» رئیس سندیکای معلمان اردن نیز این توافق را «توافق تاریخی» خواند و گفت که طولانی‌ترین اعتصاب در تاریخ اردن متوقف شد.



نگاهی به آرای فکری و رویکرد سیاسی «عزمی بشاره»

مسیحی ولی هم‌پیمان اسلام‌گرایان، ضداسرائیل ولی نماینده کنست!



هم‌پیمان اسلام‌گرایان است ولی نه تنها اسلام‌گرا نیست که اصلاً مسلمان نیست، ضداسرائیلی است ولی عضو کنست هم بوده و حتی نامزد نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی هم شده است، چپ‌گراست ولی در تیم حکومت قطر است! این گزاره‌های متناقض شخصیتی جالب از «عزمی بشاره» ساخته است.

عزمی بشاره یک عرب مسیحی ساکن سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود؛ به قول معروف یک «عرب ۴۸». او در سال ۱۹۵۶ در خانواده‌ای مسیحی در فلسطین اشغالی به دنیا آمد. بشاره از دانش‌آموختگان دانشگاه عبری اورشلیم است و مدرک دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه هومبولت برلین گرفته است. در سال ۱۹۹۰ به عنوان پژوهشگر در مرکز فان لیر رژیم صهیونیستی در قدس غربی مشغول به کار شد و تا سال ۱۹۹۶ هم در آن جا بود. در همین سال به عنوان نماینده عرب‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی وارد پارلمان این رژیم شد. حدود ۱۱ سال عضو کنست بود ولی در نهایت از سرزمین‌های اشغالی خارج شد و با حضور در سفارت اسرائیل در قاهره استعفای خود را از نمایندگی اعلام کرد.

بشاره از همان ابتدا نگاه ویژه‌ای به ایران داشته و معتقد است که باید به ایران به عنوان همسایه‌ای که دول عربی باید با آن تعامل داشته باشند، نظر داشت

استفاده می‌کند و بر همین اساس از روشنفکران چپ و عرب‌گرایانی هم که به پروژه سیاسی‌اش کمک کنند استفاده می‌کند. این کار ژست روشنفکرانه به درباریان قطری می‌دهد، ژست اسلام‌خواهانه‌شان را هم قبلاً با حمایت از اخوان گرفته‌اند و چه چیز بهتر از این برای تطهیر یک حکومت خودکامه خانوادگی؟!

عزمی بشاره از همان ابتدا نگاه ویژه‌ای به ایران داشته و معتقد است که باید به ایران به عنوان همسایه‌ای که دول عربی باید با آن تعامل داشته باشند، نظر داشت. نگاه او به ایران هیچ‌گاه خصمانه مانند آنچه در اماراتی‌ها و سعودی‌ها سراغ داریم نبوده است. او اما نسبت به اوضاع داخلی ایران نگاه بدبینانه‌ای دارد. با این حال معتقد است وضعیت کنونی ایران از بسیاری از کشورهای عربی بهتر است و غالب مردم ایران حامی حکومت آن هستند. عزمی بشاره در مسئله فلسطین بسیار فعال است. نگاه او به مسئله فلسطین هم رنگ و بوی عرب‌گرایانه دارد. پایگاه اینترنتی «عرب ۴۸» از جمله سایت‌های قوی در حوزه فلسطین است که توسط جریان بشاره تأسیس شده و مدیریت می‌شود. در کنار «عرب ۴۸»، پایگاه اینترنتی «العربی الجديد» و نیز شبکه ماهواره‌ای «العربی» بازوهای رسانه‌ای این جریان هستند. جریانی که به لحاظ فکری سکولار و عرب‌گراست و به لحاظ سیاسی در اردوگاه محور قطر-ترکیه.

این جریان یک بازوی جدی علمی نیز دارد، «مرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات» که در سال ۲۰۱۰ در دوحه قطر و با مدیریت عزمی بشاره تأسیس شد تا بار مطالعات استراتژیک این جریان را به دوش بکشد. این مرکز دارای سه شعبه در شهرهای دوحه، بیروت و تونس است. پاسخ پرسش از منابع مالی ابزارهای رسانه‌ای و علمی این جریان از پیش مشخص است: دلارهای قطری.

عصیت قومی، علیه شهروندان طغیان کنند. او سعی می‌کند - حداقل در گفتار - از رویکرد نژادپرستانه سایر عرب‌گرایان عبور کرده و تفسیر انسانی‌تر و دموکراتیک‌تری از عرب‌گرایی ارائه دهد. اما این اندیشه نیز صرفاً وقتی که به قدرت برسد مورد آزمایش جدی قرار خواهد گرفت، و گرنه در مقام حرف و سخنرانی و کتاب نوشتن، همه جریانات حرف‌های زیبای می‌زنند!

بشاره خود مسلمان نیست ولی اسلام‌را بخشی از میراث فرهنگی عرب دانسته و به آن افتخار می‌کند. با این حال معتقد است حکومت دینی نمی‌تواند دموکراتیک باشد و به همین خاطر طرفدار سکولاریسم است. حکومت ترکیه را دموکراتیک‌ترین حکومت منطقه می‌داند و آن را می‌ستاید. ولی طبیعی است که دموکراسی گفتن‌های مکرر عزمی بشاره دامن حکومت تمامیت‌خواهی چون قطر را نکیرد! چرا که بالاخره زندگی خرج دارد، خاصه آن که چند سایت و شبکه ماهواره‌ای و اندیشکده هم داشته باشی!

مخالف اسلام‌گرایی است و در عرصه اندیشه هم کارهای جدی و موثری در مخالفت با اسلام‌گرایی انجام داده است. با این حال در میان قطب‌های قدرت در منطقه در اردوگاه قطر-ترکیه که رویکردهای اسلام‌گرایانه دارند، خیمه زده است.

او و جریانش هیچ‌گاه اسلام‌گرا نبودند ولی گویانمی‌توان در میان سه قطب اصلی قدرت در منطقه (محور مقاومت به رهبری ایران، محور لیبرال به رهبری سعودی و امارات و محور اسلام‌گرا به رهبری قطر و ترکیه) بی‌طرف ماند و لاجرم باید یکی را انتخاب کرد و عزمی بشاره سال‌هاست که با شیوخ قطری فالوده می‌خورد! ناگفته نماند که خود حکومت قطر هم اسلام‌گرا نیست و صرفاً از اسلام‌گرایی در راستای منافع سیاسی خود

مقصود کرده است را توضیح داده و تفاوت‌های آن را با عرب‌گرایی مرسوم قومی-عربی‌ها مشخص کند.

عزمی بشاره در این کتاب پروژه خود را این‌گونه معرفی می‌کند: عرب‌گرایی جدید مبتنی بر فرهنگ و حافظه تاریخی عربی است که نه محدود به قوم و عشیره خاصی می‌شود و نه جنسیت و نژاد مشخصی. عرب‌گرایی جدید یک گرایش تمدنی و فرهنگی است و صرفاً مختص به یک قومیت نیست و به سمت همه منتفع است. عرب‌گرایی جدید یک دین یا عقیده مقدس نیست (آنگونه که قومی-عربی‌ها بودند) بلکه ذوب شدن در وطن و احترام به حقوق شهروندان است. عرب‌گرایی جدید ایدئولوژی خود را تقدیس نمی‌کند، به دنبال سیاسی کردن دین نیست و دنبال تبعید حکومت هم نیست. حکومت‌ها نباید به اسم عرب‌گرایی و برپایه

داستان خروج او از سرزمین‌های اشغالی و استعفایش از کنست از این قرار است که در جنگ ۳۳ روزه اسرائیلی‌ها او را متهم به جاسوسی برای حزب‌الله کردند. اتهام او این بود که با استفاده از مصونیت سیاسی خود، به گردآوری اطلاعات محرمانه نظامی برای حزب‌الله اقدام کرده است.

عزمی بشاره صرفاً یک فرد نیست، او نماینده و حتی شاید بشود گفت رهبر یک جریان فکری و سیاسی در جهان عرب است، جریانی که خود را با عنوان «عرب‌گرایی جدید» معرفی می‌کند. او در کتاب «فی نفی المنفی» سعی می‌کند آنچه از عرب‌گرایی

عزمی بشاره صرفاً یک فرد نیست، او نماینده و حتی شاید بشود گفت رهبر یک جریان فکری و سیاسی در جهان عرب است، جریانی که خود را با عنوان «عرب‌گرایی جدید» معرفی می‌کند





پنجره

❖ قیصر امین پور

در انتهای کوچه شب، زیر پنجره
قومی نشسته خیره به تصویر پنجره

این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد
در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره

اصرار پشت پنجره گفتگو پس است
دستی بر آوریم به تعبیر پنجره

تا آن که طرح پنجره‌ای نو در افکنیم
دیوار ماند و حسرت تصویر پنجره

ما خواب دیده‌ایم که دیوار شیشه‌ای است
اینک رسیده‌ایم به تعبیر پنجره

تا آفتاب راه غنیمت بیاوریم
یک ذره راه مانده به تسخیر پنجره

جز با کلید ناخن ما و انمی شود
قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره

خیلی دور خیلی نزدیک



اندک اندک جمع مسلمان می‌رسد...
اجتماع عزاداران حسینی در مسیرهای منتهی به کربلا و در این
شهر، بزرگترین رویداد مذهبی جهان را رقم می‌زند.



پیگیری آخرین اخبار و مواضع دبیر کل حزب الله لبنان



حجت الاسلام سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان،
چهره‌ای شناخته شده در سطح بین‌المللی است.

علاوه بر توفیقات حزب الله در مبارزه با رژیم صهیونیستی که
اقدامی شگرف در تاریخ مبارزه اعراب و اسرائیل است، شخصیت
جذاب، سخنور و باهوش نصر الله هم به تنهایی کفایت می‌کند
تا هر خبر و سخنی از وی در کانون توجه رسانه‌ها و عموم مردم
قرار بگیرد.

کانال تلگرامی «Nasrollah.ir» در همین چارچوب تلاش می‌کند
تا آخرین اخبار، مواضع، سخنرانی‌ها و دیدارهای حجت الاسلام
نصر الله را به سرعت و به زبان فارسی منعکس نماید. از نکات
برجسته و قابل توجه این کانال انعکاس همزمان سخنرانی‌های
زنده نصر الله است که با استقبال مخاطبان و سایر رسانه‌ها مواجه
شده است. این کانال که خود را «پایگاه مجازی فارسی زبان مقاومت
اسلامی لبنان» معرفی کرده همچنین پیش‌خبر سخنرانی‌ها و
برنامه‌های تلویزیونی دبیر کل حزب الله را اطلاع‌رسانی می‌کند.
خبررسانی در خصوص برخی برنامه‌های فرهنگی و مناسبتی
حزب الله لبنان از دیگر بخش‌های این کانال است.

در همین چارچوب گاهی مطالبی در خصوص محور مقاومت
و ضرورت مبارزه ضد رژیم صهیونیستی از دیگر چهره‌های
سرشناس بویژه امام موسی صدر در کانال نصر الله منتشر می‌شود.

برای دسترسی به این کانال باید از لینک

<https://t.me/nasrollahir> استفاده نمود.



جنایت داعش در میان ایزدی‌ها



«...امید در این چهار دیواری مثل آن یاکریمی است که ناخواسته
از پنجره به کلاس در سمان آمده بود. شیشه را باور نداشت و در
رویای آزادی خودش را بارها و بارها به پنجره می‌کوبید. آن قدر
این کار را کرد که خسته و بال شکسته به گوشه‌ای افتاد.
مجال من برای زندگی همان روزهایی بود که یاکریم در آسمان
روستا آزادانه پرواز می‌کرد...»

اینها بخشی از مقدمه رمان «دختر ایزدی» است. این رمان یک
کتاب نیمه‌مستند است. به این معنی که ۸۰ درصد مطالبش
با استفاده از گزارش‌های خبری و مستنداتی که درباره رفتار
داعش با زنان و دختران ایزدی منتشر شده، نوشته شده و
مابقی با استفاده از تخیل و داستان نویسی نویسنده به نگارش
درآمده است.

«دختر ایزدی» یک رمان فلسفی است چون با هستی آدمی
در آمیخته است. جنگ، می‌تواند جنگ داعش باشد، می‌تواند
جنگ جهانی دوم یا جنگ در ویتنام باشد اما عمل انجام شده
در آن با هستی هر انسانی، یکسان است. اما این را که نادیده
می‌کند، باید در کتاب بخوانید.

رمان دختر ایزدی، نوشته امید حاجوی در سال ۱۳۹۷ از سوی
انتشارات نگاه چاپ و روانه بازار نشر شده است.



روایتی سینمایی از جنگ ۳۳ روزه علیه مقاومت اسلامی



فیلم سینمایی «شهبازی از جنس بلور» به نویسندگی و کارگردانی
محمدرضا اسلام‌لو با نگاهی به امدادهای غیبی در جنگ ۳۳ روزه
ساخته شده است.

فیلمنامه شهبازی از جنس بلور که بخش عمده فیلمبرداری آن در
لبنان صورت گرفته، برداشت آزادی از کتابی به نام «وعده‌الصادق»
است و به امدادهای غیبی در جنگ سی و سه روزه و اعتراضات
اسرائیلی‌ها درباره مشاهده این امدادها پرداخته است. برای این
اساس یک مستندساز ایرانی بعد از جنگ ۳۳ روزه رژیم
صهیونیستی علیه حزب الله لبنان برای کشف حقایقی که شنیده
به منطقه می‌رود و با واقعیات بسیاری مواجه می‌شود.

همه داستان فیلم که در ابتدا «شمشیر ازدها» نام داشت، در
لبنان و بخشی از قصه در سوریه اتفاق می‌افتد اما با شرایط پیش
آمده از جانب تکفیری‌ها در بلاد شام تمام صحنه‌های فیلم در
جنوب لبنان و در اطراف شهر صور جلوی دوربین رفت.

در این فیلم علاوه بر بازیگران سرشناسی از کشورمان مانند
امید زندگانی، چند بازیگر لبنانی از جمله باسم مغنیه و بولین
حداد به ایفای نقش پرداختند.

شهبازی از جنس نور محصول مرکز گسترش سینمای مستند
و تجربی است و در جشنواره سی و دوم فیلم فجر به نمایش
درآمد.